

# نگرش‌های اقتصادی امام باقر علیه السلام (1)

<?xml encoding="UTF-8">

اسلام، هم دین دنیاست و هم دین آخرت و در کنار توصیه به اصلاح امر آخرت، به سامان بخشیدن دنیا نیز سفارش کرده است. بر این اساس، اسلام درباره وضعیت اقتصادی پیروانش بی تفاوت نمانده و با ارائه راهکارهایی بسیار ارزشمند، سمت و سوی شکوفایی اقتصادی را نشان داده است. استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله در این باره می فرماید: «اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیرمستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد؛ از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیاتها، ارث، هبات، صدقات، وقف و مجازاتهای مالی و غیره دارد. پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد، از طریق اخلاق است. اسلام مردم را توصیه می کند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی و خیانت و رشوه. همه اینها در زمینه ثروت است، و یا قسمتی از قلمرو این مفاهیم، ثروت است.»

بی گمان یکی از مهم ترین انگیزه های مکتب نبوی صلی الله علیه و آله در توصیه به شکوفاسازی اقتصاد و بهره مندی از دارایی کافی، نقش مهم یک اقتصاد مطلوب در مدد رساندن به دینداری و اصلاح امر آخرت است؛ همان گونه که در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله چنین می خوانیم: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْمَالُ؛ مال و دارایی، چه کمک خوبی برای پرهیزکاری است.»

خلاصه اینکه، اسلام، ثروت پرستی را محکوم کرده است؛ نه ثروت را، و دنیاطلبی را رد کرده است، نه دنیا را؛ چنان که باز در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله می خوانیم: «لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا، فَلَنِعْمَ الْمَطِيَّةُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ وَعَلَيْهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ؛ به دنیا دشنام ندهید؛ چرا که دنیا مرکب خوبی برای مؤمن است که با آن به خیر دست می یابد و از شر نجات می یابد.»

از این رهگذر، اهل بیت علیهم السلام بر مسئله اقتصاد اهتمام می ورزیدند. ایشان، هم خود به سامان بخشیدن آن همت می گماشتند و هم دوستان و پیروانشان را به این امر فرا می خواندند.

امام باقر علیه السلام نیز از این قاعده مستثنا نمانده و در کنار همه ابعاد معنوی و تعالی بخش خویش، سیمایی اقتصادی از خود به جای گذاشته است. مقاله حاضر، کند و کاوی مختصر، درباره گفتار و رفتار اقتصادی حضرت باقر علیه السلام است.

## 1. امام باقر علیه السلام و توصیه به تجارت

تجارت به عنوان یکی از مصداقهای کار، نقش فراوانی در سوددهی و رونق اقتصادی دارد و به همین سبب، مورد توجه و سفارش اهل بیت علیهم السلام بوده است. همچنین تجارت، یکی از عوامل اصلی ریشه کن ساختن فقر و تهیدستی است و سبب می شود دارایی انسان با برکت شود.

حضرت باقر العلوم علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند: «الْبَرَكَهَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ؛

تَسْعَةُ أَعْشَارِهَا فِي التِّجَارَةِ؛ برکت ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت است.» لازمه یک تجارت سودآور، آگاهی تاجر از قوانین و اصول این کار است، و به عبارت دیگر امور تجاری، به عقل اقتصادی نیازمند است تا بر اثر آن، سوددهی خویش را تضمین کند. امام پنجم علیه السلام در این باره فرموده است: «... فَإِنَّ الْمَغْبُورَ فِي بَيْعِهِ وَشَرَائِهِ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ؛ آنکه در خرید و فروشش [عقل اقتصادی لازم را ندارد و] ضرر می کند، نه ستایش می شود و نه پاداشی دارد.»

جالب آنکه آن حضرت در سخنی حکیمانه به یکی از قوانین تجارت سودآور اشاره کرده، می فرماید: «إِنَّ مَنْ بَاعَ أَرْضًا أَوْ مَاءً، وَلَمْ يَضَعْ ثَمَنَهُ فِي أَرْضٍ وَمَاءٍ ذَهَبَ ثَمَنُهُ مَحَقًّا؛ هر که زمین یا آبی (چشمه و قناتی) را بفروشد، و به زمین و چشمه ای دیگر تبدیل نکند، پول او از بین خواهد رفت.»

نکته: از نظر پنهان نماند که کنار توصیه آموزه های دینی به تجارت، به شیوه حلال آن نیز سفارش فراوانی شده است؛ و اینکه تاجر باید به قوانین شرعی این حرفه نیز آگاه باشد، تا از این طریق کسبش حلال و درآمدش پاکیزه باشد؛ چنان که از امام پنجم علیه السلام در این باره می خوانیم: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَحْزَنُونَ» إِذَا أَدُّوا فَرَائِضَ اللَّهِ، وَأَخَذُوا بِسُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَوَرَّعُوا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَزَهَدُوا فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا، وَرَغَبُوا فِيَمَا عِنْدَ اللَّهِ، وَاکْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ - لَا يُرِيدُونَ التَّفَاخَرَ وَالتَّكَاثُرَ - ثُمَّ أَنْفَقُوا فِيَمَا يَلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ؛ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِيَمَا اكْتَسَبُوا وَيُثَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ؛ در کتاب علی بن الحسین (امام سجاد علیه السلام) چنین دیدیم: «آگاه باشید که اولیای خدا نه ترسی دارند و نه دچار اندوه می شوند؛» در صورتی که فریضه های خدا را ادا کنند و سنتهای پیامبر را به کار بندند و از حرامهای خدا اجتناب ورزند و از خوشیهای زودگذر دنیا درگذرند و به آنچه نزد خداست راغب باشند، و روزی حلال و طیب خدا را با کسب و - کوشش به دست آورند - به دور از تکاثر و تفاخر - و سپس حقوق واجبی را که بر عهده دارند، بپردازند، که در این صورت از کسانی هستند که خدا به کسب و کار ایشان برکت می دهد و به پاداش آنچه برای آخرت، از پیش فرستاده اند، خواهند رسید.»

همچنین حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا، أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ؛ عبادت، هفتاد جزء دارد که برترین آنها کسب حلال است.»

## 2. بیزاری امام باقر علیه السلام از بیکاری، تنبلی و وانهادن کسب و کار

به همان اندازه که این امام همام به کسب و کار ترغیب می فرماید، از بیکاری و تنبلی و رها کردن کار، نهی و مذمت می کند. بی گمان، بیکاری، افزون بر آنکه زمینه ساز بروز لغزشها و ناهنجاریهاست، و عزت نفس را از آدمی می ستاند، مانع اصلی بهبودی و شکوفایی اقتصادی نیز هست. اگر ماشین اقتصادی شخص و جامعه، فاقد «موتور محرکه»، یعنی کار و تلاش همیشگی باشد، متوقف، و به ایستایی و رکود دچار می شود.

با نگاهی به سیره پیامبران الهی علیهم السلام در می یابیم که خداوند تبارک و تعالی، حتی برای آنان نیز ترک کسب و کار را نپسندید و آنان را به کوشش فرا خواند؛ چنان که در حدیثی قدسی چنین آمده است:

«أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّكَ نِعَمَ الْعَبْدِ لَوْلَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، وَلَا تَعْمَلُ بِبَيْدِكَ شَيْئًا، فَبَكَى دَاوُودُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْحَدِيدِ : أَنْ لِي لِعَبْدِي دَاوُودَ، فَإِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدُ، فَكَانَ يَعْمَلُ فِي كُلِّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ، فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَسِتِّينَ دِرْعًا، فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةِ وَسِتِّينَ أَلْفًا، وَاسْتَعْنَى عَنْ بَيْتِ الْمَالِ؛ خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد: «تو بنده خوبی هستی، اما از بیت المال ارتزاق می کنی و با

دستت کسب و کار نمی کنی!» پس داوود علیه السلام چهل صبح گریه کرد تا آنکه خداوند به آه‌ن وحی کرد که برای بنده من داوود، نرم شو! پس خداوند [بدینگونه] آه‌ن را برایش نرم ساخت، و او [از آن پس شروع به کار کرد، بدین گونه که] هر روز، زره ای درست می کرد و آن را به هزار درهم می فروخت. پس سیصد و شصت زره درست کرد و آن را به سیصد و شصت هزار [درهم] فروخت و [بدین گونه با کار کردن] از بیت المال بی نیاز شد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنِّي أَجِدُنِي أُمِّقْتُ الرَّجُلَ مُتَعَدِّرَ الْمَكَاسِبِ، فَيَسْتَلْقِي عَلَى قَفَاهُ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، وَيَدْعُ أَنْ يَنْتَشِرَ فِي الْأَرْضِ وَيَلْتَمِسَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ، فَالذَّرَّةُ تَخْرُجُ مِنْ حُجْرِهَا تَلْتَمِسُ رِزْقَهَا؛ مَنْ بِيْزَارِمٍ مِنْ كَسْبٍ كَسَبَ وَكَارَ نَمِي رُود، وَ[در خانه] بر پشت دراز می کشد و می گوید: «خدایا! به من روزی عطا کن!»؛ و سرازیر شدن در اطراف کره زمین [برای کسب و کار را] و درخواست از فضل خدا را وامی نهد؛ در حالی که مورچه از خانه اش به طلب روزی خارج می شود [و روزی اش را با تلاش به دست می آورد].»

همچنین ایشان فرمود: «إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ أَنْ يَكُونَ كَسْلَانًا عَنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَمَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ از آن کسی که در کار دنیا [ای خود] تنبل باشد، نفرت دارم. آن کسی که در کار دنیای خویش تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر خواهد بود.» آن حضرت در حدیثی دیگر می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْجَنَّةِ، أَمَرَهُ أَنْ يَحْرُثَ بِيَدِهِ، فَيَأْكُلَ مِنْ كَدِّهَا بَعْدَ نَعِيمِ الْجَنَّةِ؛ خدای عز و جل در آن هنگام که آدم را از بهشت به زمین فرود آورد، به او فرمان داد تا به دست خود زراعت کند و پس از [محروم ماندن از]

نعمتهای بهشت از دسترنج خود بخورد.»

و باز از آن حضرت آمده است: «الْكَسْلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا؛ تنبلی به دین و دنیا آسیب می رساند.»

آن حضرت در حدیثی دیگر می فرماید: «قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ أَيُّ عِبَادِكَ أْبْغَضُ إِلَيْكَ؟ قَالَ جِيفَةٌ بِاللَّيْلِ، بَطَالٌ بِالنَّهَارِ؛ موسی علیه السلام گفت: «پروردگارا! کدام یک از بندگانت، نزد تو منفورترند؟» خداوند فرمود: «آن کس که شب چون مردار است و روز بیکار.»

امام باقر علیه السلام بار دیگر در حدیثی زیبا می فرماید: «لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِعَبِيٍّ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ، وَلَا لِمُخْتَرِفٍ، وَلَا لِقَوِيٍّ. قُلْنَا: مَا مَعْنَى هَذَا؟ قَالَ: لَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهَا وَهُوَ يَقْدِرُ أَنْ يَكْفِيَ نَفْسَهُ عَنْهَا؛ صدقه دادن به ثروتمند و همچنین به تندرست، و به صاحب حرفه و به انسان توانا [بر کار] روا نیست. گفتیم: معنای این کلام چیست؟

امام فرمود: بر کسی که می تواند از گرفتن صدقه خود داری کند، گرفتن آن حلال نیست.»

البته این یادآوری لازم است که کوشش، تنها در کارهای بدنی و فیزیکی خلاصه نمی شود؛ بلکه کار، مصداقهای دیگری نیز دارد؛ همانند کارهای فکری، پژوهشی، تبلیغی، نویسندگی و مانند اینها. می توان به تناسب ذوق، سلیقه و استعداد، یک یا چند نمونه از این کارها را برگزید و بدان سرگرم شد.

### 3. امام باقر علیه السلام و تلاش اقتصادی

تلاش برای سامان دادن به امور اقتصادی، افزون بر آنکه به عزتمندی و سربلندی شخص و جامعه می انجامد، شرط اصلی شکوفایی اقتصادی نیز است. اسلام برای کار، اهمیت فراوانی قائل شده است و هیچگاه بیکاری را برای پیروانش تجویز نکرده است. از نگاه این دین مبین، در جامعه اسلامی هر کسی باید به کاری سرگرم و بدین گونه، وجودش برای دیگران ثمربخش باشد.

داستان شخصی به نام محمد بن منکدر می گوید که روزی در هوایی گرم، اطراف مدینه، ابو جعفر محمد بن علی

علیه السلام (امام باقر علیه السلام) را دیدم. وی برای کار کردن از مدینه بیرون آمده بود. با خود گفتم: «سبحان الله! بزرگی از بزرگان قریش در چنین هوای گرمی و با چنین حالی در طلب دنیا است، باید نزد وی بروم و او را موعظه کنم.» پس به او نزدیک شدم و سلام کردم. وی در حالی که عرق می ریخت پاسخ سلام را داد. پس به او گفتم: «آیا بزرگی از بزرگان قریش در چنین هوا و شرایط دشواری به دنبال دنیا است؟! اگر در چنین حالی اجل تو فرا برسد چه خواهی کرد؟» او در پاسخ گفت: «اگر در چنین حالتی مرگم فرا برسد، در شرایطی فرا رسیده است که من در حال اطاعت از خداوند هستم؛ چرا که بر اثر این کار و کوشش، خود و خانواده خود را از تو و مردم بی نیاز می سازم. من از آن می ترسم که مرگم در حالی فرا برسد که به نافرمانی خدا مشغول هستم.»

محمد بن منکدر با شنیدن چنین پاسخی، عرض کرد: «خدا تو را از رحمت خویش برخوردار سازد، راست گفتی. من خواستم تو را موعظه کنم؛ اما شما مرا موعظه کردی.»

#### 4. پدیده فقر

یکی از اهداف دین ما در توصیه به کارهای اقتصادی، ریشه کن ساختن «پدیده فقر» است. اسلام هرگز «پدیده فقر» را تأیید و بدان توصیه نمی کند. امام باقر علیه السلام در بیانی نیایش گونه می گوید: «أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَّةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي... وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ؛ خداوند! از تو رفاه در زندگی را تا زنده هستم درخواست می کنم... به من چندان روزی مده که سرکش و گستاخ شوم، و به فقری نیز گرفتارم مساز که بدبخت شوم.»

در این باره آیه شریفه می فرماید: «وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ الشُّوَاءُ»؛ «اگر غیب می دانستم سود فراوان می بردم و بدی به من نمی رسید.»

حضرت باقر العلوم علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «مقصود از «سوء» در آیه شریفه، «فقر» است.» «باری، بررسی مشکلات اجتماعی و علت شناسی نابسامانیها، روشن می سازد که فقر، اساس مشکلات و نابسامانیهاست. هر چه ذهنی فکر کنیم و واقعیات زندگی را نادیده بگیریم، این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که آدمی در این زندگی در قالبی مادی جای دارد، و با اشیاء سروکار دارد و در محیطی زندگی می کند که به وسایل و ابزار مادی نیازمند است؛ همانند: غذا، لباس، مسکن، نظافت، بهداشت و... در حقیقت جغرافیای حیات انسان در این دنیا، جغرافیای اقتصادی است و ماهیت حیات انسانی با این امور مادی پیوندی الزامی و جبری دارد.»

اساساً به تعبیر امام باقر علیه السلام، آدمی، میان تهی آفریده شده است و ناگزیر باید بخورد و بیاشامد؛ حتی در روز رستاخیز. در این باره به این حدیث زیبا از ایشان توجه کنیم:

«عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» قَالَ: تُبَدَّلُ خُبْرَةُ نَفْيَةٍ يَأْكُلُ مِنْهَا النَّاسُ حَتَّى يَفْرَعُوا مِنَ الْجَسَابِ؛ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: إِنَّهُمْ لَفِي شُغْلٍ يَوْمَئِذٍ عَنِ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ ابْنَ آدَمَ أَجَوَفَ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. أَهْمُ أَشَدُّ شُغْلًا يَوْمَئِذٍ أَمْ مَنْ فِي النَّارِ؟ فَقَدْ اسْتَغَاثُوا، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ»؛، زرارہ گوید کہ از امام محمد باقر علیہ السلام معنای این سخن خداوند را پرسیدم: «روزی کہ زمین بہ زمینی دیگر مبدل شود؛» فرمود: «بہ نان پاکیزہ ای تبدیل می شود کہ مردمان از آن می خورند تا از حساب آسودہ شوند.» گویندہ ای گفت: «مردمان در آن روز گرفتارند و بہ خوردن و نوشیدن نمی توانند بیندیشند!» امام علیہ السلام فرمود: خداوند، آدمی را میان تهی آفرید و ناگزیر باید بخورد و بیاشامد. آیا اہل محشر گرفتارترند یا کسانی

که در دوزخ به سر می برند؟ اهل دوزخ [نیز] آب می طلبند و خداوند درباره ایشان می فرماید: «اگر آب بطلبند، به آنان آبی داده خواهد شد مانند مس گداخته که چهره ها را می سوزاند و چه بد شرابی است.»

## 5. توصیه به کشاورزی

کشاورزی، یکی از ارکان اقتصاد هر کشور و از عوامل اصلی قطع وابستگی اقتصادی هر جامعه است. بی گمان، ادامه حیات انسانها در گرو آن است که از خوردنیهایی چون: نان، برنج و... استفاده کنند و این صنعت کشاورزی است که این بخش از نیازمندی انسان را رفع می کند.

تاریخ نشان می دهد که یکی از راههای نفوذ استعمار در کشورها، وابسته کردن صنعت کشاورزی آنها به بیگانگان و در نتیجه رکود این بخش است. بر این اساس، بحث کشاورزی بحثی جدی و قابل توجه است. همان گونه که از روایات استفاده می شود، اساسا هر کسی که از آب و خاک کافی برخوردار باشد، و با وجود آن در تنگدستی به سر برد، از رحمت خدا دور است.

به این حدیث حضرت باقر علیه السلام در این باره توجّه کنیم: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛ هَرَكَةٌ بَا وَجُودِ دَاخِلِ آبٍ وَخَاكٍ، [باز هم] فَقِيرٌ وَنِيزَامُنْدٌ بَاشِدُ، خَدَا وِی رَا [از رحمت خود] دُور گِرْدَانْدُ.»

همچنین ایشان می فرماید: «خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْتُ، تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ؛ أَمَّا الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ ۖ

إِسْتَعْفَرَ لَكَ وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ ۖ لَعَنَهُ؛ وَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَهَائِمُ وَالطَّيْرُ؛

بهترین کارها کشاورزی است؛ چیزی را می کاری و نیکوکار و بدکار از آن می خورند. نیکوکار می خورد و برایت [از خدا] آمرزش می طلبد، و بدکار می خورد و آنچه خورده است، او را لعن و نفرین می کند، و چرندگان و پرندگان از آن می خورند.»

همچنین حضرت باقر العلوم علیه السلام فرموده است: «لَقِيَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَحْتَهُ وَسَقَى مِنْ

النَّوِي؛ فَقَالَ لَهُ: مَا هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ تَحْتَكُ؟ فَقَالَ: مَاءُ أَلْفِ عَذَقٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. قَالَ: فَعَرَسَهُ فَلَمْ يُغَادِرْ مِنْهُ نَوَاءً

وَاحِدَةً؛ مَرَدِي أَمِيرَ مُؤْمِنَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَيْتُكَ دَرَدَ بَارَ زِيَادِي أَزْ هَسْتَه خَرْمَا رَا بَا خُود حَمَلْ مِي كَرْد؛ پَسْ بَهْ أَوْ گَفْت:

«اینها چیست که با خود داری؟» فرمود: «صد هزار درخت خرما؛ اگر خدا بخواهد.» آن مرد گوید: «آن حضرت همه

آن هسته ها را کاشت و [حتی] دانه ای را هم دور نینداخت.»